

## نیروانۀ در هیئۀ یانۀ و مهاییانۀ<sup>۱</sup>

یحیی نصرتی<sup>۲</sup>

دانش آموخته‌ی دکترای دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، گروه ادیان و عرفان، تهران،

ایران

ابوالفضل محمودی

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، گروه ادیان و عرفان، تهران، ایران

### چکیده

هدف غایی دین‌ورزی و سلوک بودایی نجات از رنج و چرخه بازپیدایی است. آموزه نیروانۀ اصلی‌ترین آموزه مشترک مکاتب و طریقت‌های بودایی در تبیین آن هدف است. چندین رویکرد در تفسیر معنای این آموزه وجود دارد. رویکردهای سلبی، اثباتی و متناقض‌نما از مهم‌ترین آنهاست. هر کدام از طریقت‌های هیئۀ یانۀ و مهاییانۀ، علی‌رغم اشتراک‌شان در پذیرش این اصل، از این آموزه تفسیرهای خاص خودشان را دارند. می‌توان گفت مفهوم نیروانۀ در طریقت مهاییانۀ نسبت به طریقت هیئۀ یانۀ بسط معنایی بیشتر داشته است.

### کلیدواژه‌ها

دین بودایی، هیئۀ یانۀ، مهاییانۀ، نیروانۀ.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۶

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): nosratiyahya@gmail.com

## مقدمه

هدف غایی سلوک بودایی در هر دو طریقت مه‌ایانه و هیئته‌یانه هدفی نجات‌شناختی است. البته نجات بودایی در معنایی که در ادیان سامی فهمیده می‌شود نیست. چنین نجاتی نجات از گناه و آتش دوزخ نیست. به باور بوداییان زندگی در بهشت و دوزخ موقتی است؛ از این رو، همهٔ کسانی که در بهشت یا جهنم آسمانی به سر می‌برند وقتی اثر کَرَمهٔ<sup>۱</sup> اعمال‌شان از بین برود تناسخ خواهند یافت. رنج و عذاب اصلی دخول در جهنم نیست بلکه رنج اصلی در چرخهٔ بازپیدایی مکرر یا همان سنساره<sup>۲</sup> است. هر کس می‌داند زندگی فعلی هر چند پر محنت سرانجام به پایان می‌رسد. اما اگر چرخهٔ زندگی‌ها به پایان نرسد رنج‌های زندگی مکرر تداوم خواهند یافت.<sup>۳</sup>

نجات بودایی گرچه در راستای مفهوم نجات (مکشه)<sup>۴</sup> در سنت هندی است، ولی به معنای اوپنیشدی نجات نهایی یعنی اتحاد و استغراق خودِ شخصی (آتمن)<sup>۵</sup> در خودِ الهی (برهمن)<sup>۶</sup> نیست.<sup>۷</sup> نجات در معنای بودایی خواه نجات فردی باشد یا نجات فرافردی با مفهوم نیروانه گره خورده است. هدف نهایی نجات‌شناختی بودایی رسیدن به نیروانه است.<sup>۸</sup> است.<sup>۹</sup> لذا شناخت مفهوم نیروانه برای فهم غایت سلوک بودایی و درک نجات‌شناسی بودایی ضرورت دارد. گرچه «برای شخص بودایی مهم‌ترین مسأله شناخت نیروانه نیست بلکه رسیدن به نیروانه است»،<sup>۹</sup> شناخت نیروانه لازمهٔ رسیدن به آن است و از دو جهت اهمیت دارد. اولاً، برای خود بوداییان از این جهت اهمیت دارد که بدانند قرار است به چه

1. Skt. karma; Pal. kamma

2. saṃsāra

3. Rhys Davids, T. W., *Buddhism: Its History and Literature*, New York and London, G. P. Putnam's Sons, 1907, pp.153-155.

4. mokṣa

5. Skt. ātman / Pal. atta

6. H. brahman Skt. bráhman

7. Radhakrishnan, Sarvepalli, *Indian Philosophy*, Holland, Van Leer and Co, 1948, vol.1, p.238, vol.2, p.709.

8. cf. Thomas, Edward J., *The History of Buddhist Thought*, London, Lowe and Braydon, 1953, pp.119-132, 162-175.

9. Possin, L. De La Vallee, *The Way to Nirvana, Six Lectures on Ancient Buddhism As a Discipline of Salvation*, Cambridge, Cambridge University Press, 1917, p.112.

هدفی برسند. ثانیاً، غیر بوداییان درک درستی از این مفهوم داشته باشند تا نقد و بررسی آنها عالمانه باشد و گرنه ممکن است دچار کج‌فهمی و قضاوت نادرست شوند. مسأله مورد بحث این است که اولاً آیا دو طریقت هیئتیانه و مهاییانه از آموزه نیروانه فهم مشترکی دارند یا نه؟ ثانیاً تشابه و تفاوت‌های احتمالی در برداشت آنها از این آموزه کدام است؟

### تعریف اصطلاحات

هیئتیانه:<sup>۱</sup> «یانه»<sup>۲</sup> به معنای «وسیله نقلیه»، «حرفه»، «دوره زندگی» و در اصطلاح به معنای «مکتب» و «طریقت» است که در اینجا معنای طریقت مورد نظر است و «هیئتی» به معنای کوچک است.<sup>۳</sup> هیئتیانه به معنای «چرخ کوچک» یکی از سه طریقت معروف بودایی است و سستی‌ترین آنها محسوب می‌شود و به بودایی اصیل و بودایی جنوبی هم معروف است. در این طریقت صرفاً متون کانون پالی به عنوان متون مقدس مورد قبول است.<sup>۴</sup> مهاییانه:<sup>۵</sup> مهاییانه به معنای «چرخ بزرگ» به طریقت دیگر بودایی اطلاق می‌شود که نسبت به هیئتیانه طریقتی گسترش یافته‌تر است و پیروان بیشتری دارد و به بودایی شمالی هم معروف است. در این طریقت علاوه بر متون کانون پالی سوتره‌های مشایخ هم جزو کتاب‌های مقدس محسوب می‌شود.<sup>۶</sup> نیروانه:<sup>۷</sup> مشهورترین معنای لغوی آن «خاموش شدن شعله و آتش»<sup>۸</sup> است اما این اصطلاح معانی متنوعی دارد و معرفی جنبه‌های مختلف این معانی از اهداف این نگارش است.

1. hīnayāna

2. yāna

3. Dasgupta, Surendranath, *A History of Indian Philosophy*, Cambridge, Cambridge University Press, 1932, vol.1, p.125.

4. Ibid, vol.1, p.125; "The Differences between Hinayana and Mahayana", <http://www.sgilibrary.org>

5. mahāyāna

6. cf. Dasgupta Surendranath, vol.1, p.125; "The Differences between Hinayana and Mahayana", <http://www.sgilibrary.org>

7. Skt. nirvāṇa, Pal. nibbāna

8. Rhys Davids T. W. and William Stede eds. *Pali English Dictionary*, Pali Text Society, London, 1921-5, reprint, 1952, vol.4, p.198.

## رویکردها

برای تبیین و تفسیر آموزه نیروانه در دو طریقت هیئتیانه و مهاییانه رویکردهای مختلفی وجود دارد: سلبی، اثباتی، متناقض‌نما و نمادین.<sup>۱</sup>

اولین و رایج‌ترین رویکرد عبارت است از بیان سلبی نیروانه. طبق این رویکرد از نیروانه به عنوان «وجودی یاد می‌شود که فاقد برخی صفات و ویژگی‌هاست».<sup>۲</sup> از جمله بی‌مرگ،<sup>۳</sup> تغییر ناپذیر، نابود نشدن،<sup>۴</sup> پایان ناپذیر،<sup>۵</sup> تولید نشده، نابودی باز پیدایی، تولد نیافتن، فریب ناپذیر،<sup>۶</sup> نامخلوق، بی‌آرزو، بی‌پیری، بی‌تناسخ، بی‌حد و حصر،<sup>۷</sup> خاموشی رنج،<sup>۸</sup> رنج،<sup>۹</sup> و رهایی نهایی.<sup>۱۰</sup>

مستشرقان در تفسیر نیروانه عمدتاً از این رویکرد استفاده کرده‌اند. اما برخی از متفکران بودایی رویکرد مستشرقان را در توجه به وجه سلبی آموزه نیروانه مورد انتقاد قرار داده‌اند و روش آنها را نادرست ارزیابی کرده‌اند. زیرا هر کدام از مستشرقان معنای سلبی خاصی از نیروانه را با استفاده از سوترهای قطعی در نظر گرفته‌اند و نهایتاً آن را به معنای «خاموش‌سازی» یا «نابودی» در نظر گرفته‌اند.<sup>۱۱</sup> در صورتی که نیروانه به معنای منفی مردن، فنای روح یا هیچ معنای بدبینانه‌ای که برخی از مستشرقان پنداشته‌اند نیست.<sup>۱۲</sup>

به ادعای بوداییان، بودا به آموزه نیروانه در معنای تعطیلی و چشم‌پوشی کامل از خواسته‌های انسانی تحت عنوان مبارزه با خودخواهی نمی‌نگرد. نیروانه‌ای که همه

1. Stcherbatsky, Theodore, *The Conception of Buddhist Nirvana with Sanskrit Text of Madhyamaka-kārikā*, Delhi, Motilal Banarsidass Publication, 1999, p.25.
2. Beal, S., *Buddhism in China*, London, Society for Promoting Christian Knowledge, New York, E. J. B. young Co, 1884, p.200.
3. amṛta
4. acyuta
5. ananta
6. apalokina
7. anuttaram
8. dhukhanirodha
9. apavagga
10. Stcherbatsky, Th., p.25.
11. Suzuki, Daisetz Teytaro, *Outline of Mahayana Buddhism*, London, Luzac and Company, 1907, p.331.
12. Rhys Davids, T. W., *Early Buddhism*, London: Archibald Constable and Co. Ltd, 1908, p.73.

احساسات اعم از احساسات ارزش مند یا بی ارزش در آن خاموش گردد هدف زندگی بودا نبوده است. بلکه برعکس بودا به پیروانش سفارش می کند همه نیروی خود را بر رهایی از بندهای جهل و خودخواهی به کار گیرند، زیرا این کار در واقع راه غلبه بر بیهودگی های عالم و طریقی برای لذت بردن از زندگی جاوید است.<sup>۱</sup>

گرچه این رویکرد تمام حقیقت مفهوم نیروانۀ را روشن نمی سازد ولی یکی از وجوه آن را مشخص و برجسته می سازد که به معنای نفی چیزی، ترک چیزی، خاموشی از چیزی، خاموش سازی چیزی، نابود کردن چیزی و امثال آن است. این رویکرد مشخص می کند که نیروانۀ متعلق یا متعلق هایی پیشینی دارد که لازم است سالک از خود سلب کند. اختلاف تفسیر افرادی که با این رویکرد به بررسی این آموزه می پردازند در تشخیص و تفسیر نوع متعلق است: آیا متعلق آن اعمال نادرست و تأثیر اخلاقی آنهاست، یا صرف اعمال و تأثیر اعمال اعم از درست و نادرست و کرمۀ حاصل از آنها و تأثیر وجودشناختی آنهاست، یا میل و عطش نادرست و شهوات و تأثیرات ناگوار روان شناختی است یا هر نوع میل و عطشی و تأثیر تکوینی آنهاست، یا غفلت و جهل علمی و معرفت شناختی است یا هر نوع معرفت تمیزگر و غیر شهودی که آثار تکوینی دارد و یا همه این موارد.

رویکرد دوم رویکرد اثباتی است. رویکرد اثباتی به معانی مختلفی که حاکی از وجود نوعی حالت باطنی است دلالت دارد. آرامش<sup>۲</sup> یا آرامش مطلق<sup>۳</sup> که نوعی تسکین عطش و رنج و نوعی سکوت و سکون است؛ خوشی و سعادت،<sup>۴</sup> فرزاندگی،<sup>۵</sup> اشراق،<sup>۶</sup> آگاهی و معرفت،<sup>۷</sup> و امیت<sup>۸</sup> از جمله معانی اثباتی هستند که در این رویکرد مورد توجه قرار می گیرند<sup>۹</sup> و در تفسیر مفهوم نیروانۀ به کار می آیند.

این رویکرد، نگاهی پسینی به موضوع دارد و رویکردی معطوف به نتیجۀ فرآیند نیروانۀ است. در این رویکرد خود سلب مهم تلقی نمی شود، بلکه نتیجۀ اثباتی آن مهم تلقی

1. Suzuki, D.T., pp.338-339.

2. śama

3. upaśama

4. sukham

5. Skt. prajñā / Pal. paññā

6. sambodhi

7. Skt. Jñāna/ Pal. jñāna

8. kṣamam

9. Stcherbatsky, Th., p.25.

می‌شود. اختلاف تفسیر افرادی که با این رویکرد به موضوع نیروانه می‌پردازند در متعلق نتیجه مورد انتظار است. آیا منظور اصلاحی اخلاقی است یا آرامش روان‌شناختی یا اشراق معرفت‌شناختی یا تبدل وجودشناختی مربوط به ساحت ماوراءالطبیعی یا همه این موارد. آنچه در این رویکرد فرض مسلم قرار می‌گیرد این است که نیروانه به نتیجه‌ای اثباتی منتهی می‌شود نه به عدم مطلق و پوچی.

در جزئیات معانی اثباتی پرسش مطرح شده این است که آیا نیروانه امری روان‌شناختی است یا امری وجودشناختی؟ آنچه مسلم است نیروانه پوچی و عدم محض نیست، زیرا هم دال بر نوعی حالت روان‌شناختی است که با تعبیر سلبی از جمله عدم عطش و عدم موانع بیان می‌شود و هم حالتی از وجود است که با تعبیر اثباتی مثل آرامش و فرزانیگی بیان می‌شود<sup>۱</sup> و هر کدام از طریقت‌ها تفسیر خاص خودشان را از این امر دارند. اگر نیروانه را یک فرآیند در نظر بگیریم که وجهی پیشینی دارد که سالک باید از آن بگذرد و آن را ترک کند و وجهی پسینی دارد که باید به آن برسد به نوعی این دو رویکرد را با هم تلفیق کرده‌ایم.

سومین رویکرد، رویکرد نمادین یا تمثیلی است. در رویکرد نمادین بدون این‌که به صراحت مشخص شود که آیا وجه اثباتی مورد نظر است یا وجه سلبی یا کل فرآیند، معنای مورد نظر را در قالب تمثیل و نماد بیان می‌کنند، مثل غار امن، جزیره‌ای در میان سیلاب‌ها، ساحل دیگر سوی، شهر مقدس، پناه‌گاه، سایه‌بان و گریزگاه.<sup>۲</sup>

ویژگی اساسی این رویکرد تأویل و تفسیرپذیری زیاد آن است. از این روی هم در بیان معنای نیروانه و هم در دریافت منظور متون مقدس بودایی امکان تأویل و تفسیر زیادی وجود دارد. از این رو معانی نمادین را متناسب با نوع تمثیل و نماد به معانی اثباتی یا سلبی یا متناقض‌نما می‌توان تفسیر و تأویل کرد. اشکال این رویکرد این است که گاهی میان منظور ارائه دهنده نماد و تمثیل با منظور تفسیر و تأویل کننده آن وحدت نظر وجود ندارد.

چهارمین رویکرد رویکرد متناقض‌نما است. در این رویکرد نیروانه به مثابه امری متناقض‌نما مطرح می‌شود که نه سلبی معنا می‌شود و نه اثباتی، بلکه جمع هر دو است.

1. Stcherbatsky, Th., p.26.

2. Ibid.

ساکن شدن در حالت بی‌سکونی و رسیدن به هدفی که معلوم کند هدفی وجود ندارد و رسیدن به واقعیتی که تهی<sup>۱</sup> می‌باشد، نمونه‌هایی از بیان متناقض‌نمای نیروانه است.<sup>۲</sup> از زبان بودا آمده است: «ای مُگه‌راجا<sup>۳</sup> بنگر و اندیشه کن که جهان چگونه تهی است. بگذار شخصی باور به نفس را بزدايد و به قلمرو وراي مرگ گذر کند. سلطان مرگ هرگز آن کسی را که چنین به جهان می‌نگرد پیدا نمی‌کند».<sup>۴</sup>

رویکرد متناقض‌نما بر پایه نظریه‌های وجودی و معرفت‌شناختی‌ای شکل می‌گیرند که اضداد را قابل جمع می‌دانند، مثل نظریه‌های وحدت وجود هندی و اسلامی یا تهی‌بودگی (شونیه‌تا)<sup>۵</sup> بودایی. در چنین رویکردی یا کل فرآیند وهمی تلقی می‌شود که در آن صورت هم وجه سلبی پیشینی آن توهم سلب چیزی است و هم وجه اثباتی پیشینی آن توهم اثبات امری تلقی می‌شود. در واقع از نظر وهمی بودن هر دو وجه سلبی و اثباتی یکسانند. یا این‌که کل فرآیند جلوه‌های متکثر حقیقتی واحد تلقی می‌شوند که در صورت ادراک حقیقت آن‌چنان که هست تکثری متصور نمی‌شود و اضداد عین هم تلقی می‌شوند.

### تفسیر هیئتیانه

از نظر هیئتیانه غایت سلوک در نجات فردی از طریق نیروانه است. از آنجایی که این طریقت به متون اولیه وفادارترند تفسیرهای آنها از نیروانه به معانی طرح شده در کانون پالی نزدیک‌تر است. در هیئتیانه معانی تناقض‌آمیز چندان مطرح نیست ولی هر دو دسته معانی سلبی و اثباتی مورد توجه است.

### رویکرد سلبی

برخی معتقدند هدف هیئتیانه رسیدن به نیروانه در معنای توقف آگاهی است، زیرا آگاهی منشأ احساس است و انسان را در بند می‌کند. درباره بعد از نیروانه در هیئتیانه تأمل زیادی

- 
1. śūnya
  2. Stcherbatsky, Th., p.25.
  3. Mogharājā
  4. Suzuki, D.T., p.339.
  5. Skt. śūnyatā, Pal. suññatā

نشده است کہ بعد از نیروانہ چہ باقی می ماند.<sup>۱</sup> اما چنان کہ در ادامہ می آید ہیئہ یانہ معانی مختلفی از نیروانہ را در نظر دارد.

در ہیئہ یانہ نیروانہ، در معنای سلبی ہم بہ معنای سرد و سرد کردن و ہم بہ معنای فنا و نابودی و سوزاندن است، مثل نیروانہ شمع. نیروانہ در معنای سرد کردن بہ تقلیل رنج مردم و خاموش کردن آتش آرزوہای افراد اطلاق می شود. نیروانہ در معنای سوزاندن بہ امحاء تعلقات و شعلہ های آتش احساسات سالک اطلاق می شود.<sup>۲</sup> در سَمیوتہ نیکایہ آمدہ است کہ نیروانہ عبارت است از خاموشی آتش سوزانِ سہ گناہ کبیرہ شہوت، نیتِ پلید و جہل دل.<sup>۳</sup>

### اثباتی

ہیئہ یانہ در رویکرد اثباتی بہ نتایج نیروانہ در حوزه های اخلاقی، روان شناختی و وجودشناختی نظر دارد. در حوزه روان شناختی نیروانہ حالت روانی آرامش و سرور بلکہ بالاترین سرور و شادمانی می باشد.<sup>۴</sup> در واقع این حالت روانی نتیجہ فرآیند نیروانہ محسوب می شود. با این رویکرد معنای سلبی تقلیل و نابودسازی رنج و خاموش کردن آتش آرزوہای افراد نیز کہ بہ صلح و آرامش و آسایش و نعمت منتهی می شود قابل تأویل بہ نتیجہ اثباتی است.<sup>۵</sup>

در حوزه وجودشناختی در ہیئہ یانہ کوشیدہ اند متقاعد کنند کہ نتیجہ نہایی فرآیند نیروانہ نیستی و عدم مطلق نیست بلکہ سنخی از وجود غیر مادی است. در ویسودھی مگہ<sup>۶</sup> آمدہ است بودا در پرسش و پاسخ های مختلف نشان می دہد کہ اولاً نیروانہ امری افسانہ ای

1. Radhakrishnan, Sarvepalli, vol.1, pp.586-587.

2. Possin, L. De La Vallee, p.113.

3. *Samyuttanikāya*, chap 4, verse 25, in Rhys Davids T. W. and William Stede, vol.4, p.198.

4. *The Dhammapada, a Collection of Verses Being One of the Canonical Books of the Buddhists*, Tr. F. Max Muller, in *The Sacred Books of the East*, Volume X part I, ed. F. Max Muller, Oxford, Clarendon Press, 1881, verse 204; Rhys Davids, C.A., *Buddhism, a Study of Buddhist Norm*, London, Williams and Norgate, 1912, p.177.

5. Possin, L. De La Vallee, p.113.

6. *Visuddhimagga*



و عدم مطلق نیست؛ ثانیاً نیروانه نابودسازی محض هم نیست و باز عدم نیست. ثالثاً نیروانه وجود دارد و اتفاقاً تنها امر ازلی و ابدی است.<sup>۱</sup>

از زبان بودا به نقل از /یتی ووتکه<sup>۲</sup> و /ودنه<sup>۳</sup> آمده است که نیروانه در خصوص حقیقت شخص به معنای عدم مطلق نیست؛ زیرا گفته است: «ای راهبان، یک [حقیقت] تولد نیافته، به وجود نیامده، ساخته نشده و صورت نیافته وجود دارد».<sup>۴</sup>

بوداگهوشه می‌گوید: «نمی‌توان گفت نیروانه وجود ندارد. چرا نه؟ زیرا نتیجه آن چنین می‌شود که طریقت بیهوده است». او نشان می‌دهد که نیروانه امری ادراک ناشدنی مثل شاخ خرگوش نیست. زیرا اشخاص شریف با طی طریق اخلاق، مراقبه و معرفت می‌توانند آن را درک کنند.<sup>۵</sup>

طبق رویکرد اثباتی نیروانه جوهری اثباتی و نوعی هستی<sup>۶</sup> است اما هستی نامتعیین<sup>۷</sup> است. در هیئته‌یانه اعتقاد بر این است که دو دسته دهمه<sup>۸</sup> سرمدی واقعیت دارند: جوهرهای آلوده و متعین<sup>۹</sup> و حقیقت نالوده<sup>۱۰</sup> و نامتعیین.<sup>۱۱</sup> برای رسیدن به نیروانه فقدان یا نابودسازی پنج انباشته<sup>۱۲</sup> حال، آینده و گذشته و جوهرهای متعین لازم است ولی صرف فقدان آنها نیروانه نیست تا نیروانه را عدم وجود بپنداریم. نیروانه تغییر و تبدل حقیقی جوهرهای آلوده و متعین به حقیقت نالوده و نامتعیین است.<sup>۱۳</sup>

نتیجه این تبدل و تغییر وجودی از حیث دینی و نجات‌شناختی تعبیرهای اثباتی خاصی را در پی دارد. این آموزه از جهت نجات‌شناختی به نجات و بقاء فرد در زندگی بعد

1. Buddhaghosa, *Bhadantācariya, Visuddhimagga, the Path of Purification*, tr. Bhikkhu Nanamoli, Sri Lanka, Buddhist Publication Society, 2010, chap.16, verses 67-74.

2. *Iivuttaka*, verse 37.

3. *Udana*, verse 80.

4. Buddhaghosa, p.523.

5. *Ibid*, p.521.

6. bhāva

7. asamskrta

8. Skt. dharmas, Pal. dhammas

9. Skt. samskrta dharmas

10. Skt. akleśa; P akileśa

11. asamskrta dharmas

12. Skt. skandhas, Pal. khandhas

13. Buddhaghosa, pp.520-521, chap.16, verse 67; Stcherbatsky, Theodore, pp.28-30.

از مرگ و نجات از بازپیدایی و رسیدن به سعادت و آرامش<sup>۱</sup> و سرمدی بودن<sup>۲</sup> قائل است. در این معنا نیروانه مقابل بازپیدایی (سنساره) است.<sup>۳</sup> در متون پالی از حیث دینی نیروانه به معنای تقدس، علو مقام یا مقام قدیس در زمان زندگی و یا حالت قلیس بعد از مرگ به کار رفته است. از میان این معانی تقدس و علو مقام در زمان زندگی رایج‌ترند.<sup>۴</sup> از آنجایی که این معانی در رویکرد اثباتی هیئتیانه مورد توجه قرار گرفته است وصول شخصی و فردی به این مقام قدسی که تحت آموزه ارهت<sup>۵</sup> مطرح است غایت سلوک در هیئتیانه مورد قبول واقع شده است و طریق سلوکی متناسب با آن همان طریق ارهت‌شدگی است که در آن سالک با معرفت‌یابی به چهار حقیقت شریف مربوط رنج حیات، انجام دستورات و تکمیل راه‌های هشت‌بخشی شریف (آریاشتنگیگه‌مارگه)<sup>۶</sup> منازل چهارگانه فرایند تدریجی نیروانه را تا غایت رسیدن به جایگاه انسان قدسی و کامل یا همان ارهت ادامه می‌دهد.

### تفسیر مهاییانه

نیروانه از اهداف غایی سلوک طریقت بدهیستوه<sup>۷</sup> در مهاییانه است. نیروانه در مهاییانه معانی

1. sukhs

2. nitya

3. Stcherbatsky, Th., pp.28-30.

4. Possin, L. De La Vallee, pp.114-115.

5. Skt. arhat, Pal. arahant

۶. اصطلاح «راه هشت‌بخشی شریف»-Skt. āryāṣṭāṅgika (Pal. ariyo atthaṅgiko maggo, mārga; En. the noble eightfold path) در زبان فارسی به راه (راه‌ها یا طریق) هشت‌گانه شریف هم ترجمه شده است ولی از آنجایی که پسوند «گانه» رابطه طولی اجزاء و طریق سلوکی مستقل بودن و منزل بودن هر کدام از قسمت‌های این راه شریف را تداعی می‌کرد برای اجتناب از این تداعی نادرست از واژه «بخش» استفاده کردیم که از آن صرفاً رابطه عرضی در نسبت میان هشت بخش این راه برداشت می‌شود. واژه پالی سما و واژه سنسکریت سمینیک (Pal. sammā, Skt. Samyañc) که در ابتدای هر بخش آمده و به فارسی «درست» ترجمه شده در واقع به معنای هم‌بسته، مکمل یا متمم (completion, togetherness, and coherence) است و در معنای درست، کامل و ماهرانه (perfect, ideal, wholesome, wise and skillful) هم به کار می‌رود. ("the Noble Eightfold Path", Chinese Buddhist Encyclopedia) این امر نشان دهنده عرضی بودن رابطه بخش‌های مختلف این راه است.

۷. بدهی‌ستوه bodhisattva به سالکی اطلاق می‌شود که در پی اشراق کامل است یا به اشراق کامل رسیده و هدفش نجات همگانی است و این طریق سلوکی را طریق بدهی‌ستوه گویند.

بسیار جامع و پیچیده‌تری دارد که احیاناً موجب کج فهمی می‌شود. البته هیئتیانه با این معانی ناآشنا نیست ولی در متون آنها کم‌رنگ بیان شده است.<sup>۱</sup> در طریقت مهاییانه در هر چهار معنای سلبی، اثباتی، نمادین و متناقض‌نما از نیروانه تفسیرهای خاص و تا حدی متفاوت از هیئتیانه ارائه شده است.

### رویکرد سلبی

مفسران مهاییانه نیروانه را در معنای سلبی امری پیش‌بینی‌ناپذیر و دست‌نیافتنی گفته‌اند. آنها می‌گویند «نیروانه نه رها می‌شود و نه به دست می‌آید... نه زوال می‌یابد و نه ایجاد می‌شود».<sup>۲</sup> در این طریقت نیروانه به معنای پوچی شخص یا جهان و پایان بخشیدن به زندگی نیست که در انتهای زندگی به دست آید. منظور از آن خاموش‌سازی خواسته‌های انسانی نمی‌باشد که با ترک کامل آرزوها و اعمال انسانی در عدم هشیاری حاصل شود.<sup>۳</sup> آخرین سخنان بودا، قبل از نیروانه نهایی یا مرگ، حاکی از آن است که او به نیروانه پوچ‌گرایانه معتقد نبوده است. او خطاب به پیروانش می‌گوید: «اینک ای برادران بدانید که من با این گفتار شما را نصیحت می‌کنم. زوال در همه اشیاء ذاتی است، با جدیت برای نجات خود بکوشید».<sup>۴</sup>

پیروان مهاییانه برای نیروانه از جهت وجودشناختی معنایی سلبی قائل نشده‌اند، زیرا نیروانه را امری وجودی می‌دانند نه عدم وجود؛ از جهت معرفت‌شناختی نیروانه را عبارت می‌دانند از کنار زدن حجاب نادانی؛ از جهت نجات‌شناختی آن را رهایی فردی و جمعی از گردونه بازپیدایی می‌دانند، از نظر اخلاقی نوعی نابودی گناه و شهوات و نفسانیات تلقی می‌کنند و از نظر دینی هم عبارت می‌دانند از کنار زدن اراده استقلالی. هر کدام از این معانی وجه اثباتی در پی دارند که بدان می‌پردازیم.

1. Suzuki, D.T., p.342.
2. Stcherbatsky, Th., p.28.
3. Suzuki, D.T., p.340.
4. cf. *Maha-Parinibbana-Sutta*, tr. T. W. Rhys Davids in *Sacred Books of East*, Vol. XI, ed. F. Max Muller, Oxford, Clarendon Press, 1881.

## اثباتی

در برداشت اثباتی، نیروانه به معنای به کمال رساندن حیات انسانی است. طبق نظر پیروان مه‌یانه کسانی که معنای اثباتی نیروانه را بسط داده‌اند با روح تعالیم بودا سنخیت بیشتری دارند تا کسانی که به وجه سلبی نیروانه تأکید دارند. نیروانه ثبات‌بخش و کمال‌بخش به زندگی است و سالک این کار را با اشراق کامل انجام می‌دهد.<sup>۱</sup> این نگاه مه‌یانه برگرفته از تعالیم خود بوداست. بودا در آخرین سفارش خود به طور مبسوطی فعالیت‌های مثبت اجتماعی، فردی و گروهی را به پیروانش سفارش می‌کرد که همه حاکی از مثبت بودن نگاه او به زندگی و نیروانه است.<sup>۲</sup> آشوه‌گهوشه هم نشان داده است که بودا چقدر به زندگی جاوید و فعالیت‌های مثبت در همین زندگی در آخرین لحظات تأکید داشته است.<sup>۳</sup>

سالک طریق بدهیستوه بر خلاف تصور برخی از مفسران متون سنسکریت خود را در بهشت جای نمی‌دهد تا دیگر برای آرزوی رسیدن به نیروانه و پری‌نیروانه<sup>۴</sup> نیازی نداشته باشد<sup>۵</sup> بلکه سالک هیچ‌گونه آرزویی خواه زمینی یا آسمانی تمنا نمی‌کند و همه شایستگی‌هایش را هم که طبق قانون گرمه جمع نموده به دیگران عطا می‌کند و به منظور کمک به نجات دیگران از مرحله پری‌نیروانه باز می‌گردد.<sup>۶</sup>

بودا در معرفی چنین سالکی می‌گوید: «کوشش او قهرمانانه، قدرتش با شکوه و رحمتش فراگیر است تا جایی که او به عالی‌ترین فرزاندگی نائل می‌آید. او هرگز از جایش

1. Suzuki, D.T., pp.40-41.

2. cf. *Mahāparinibbāna-Suttanta*, chap. 1, verses 5-8.

3. cf. Āśvaghōṣa, *The Fo-Sho-Hing-Tsang-King, The Life of Buddha Chin*. Trans Dharmaraksha 420 AD. En. tr. Samuel Beal in *Sacred Books of East*, Vol. XIX, ed. F. Max Muller, Oxford: Clarendon Press, 1883, p.306-307; Āśvaghōṣa, *The Buddha-Karita*, tr. E. B. Cowell, in *Sacred Books of East*, Vol. XLIX, Part I, ed. F. Max Muller, Oxford, Clarendon Press, 1894.

۴. پری‌نیروانه (Skt. parinirvāṇa, Pal. parinibbāna) در تفسیر مه‌یانه همان ساحت ابدیت و سرور است.

Williams, P., *Mahāyāna Buddhism: The Doctrinal Foundations*, London, Taylor & Francis, 1989, p.100.

5. cf. Monier Williams, Sir Monier, *Buddhism: in Its Conexion with Brahmanism and Hinduism and in Its Contrast with Christianity*, London: John murray, 1980.

6. Suzuki, D.T., p.18.

برنمی‌خیزد مگر مثل آفتابی که بدون محو تاریکی برنمی‌خیزد. .... او کسی است که وقتی مشاهده می‌کند عالمیان در سیل عظیم وجود غرق شده‌اند و نمی‌توانند به ساحل دیگر سو برسند می‌کوشد آنها را به سلامت عبور دهد.<sup>۱</sup>

گاهی صفاتی به نیروانه نسبت می‌دهند مثل سرمدی بودن، شخص عامل در نفس خود،<sup>۲</sup> سرور<sup>۳</sup> و منزّه<sup>۴</sup> که به نیروانه در معنای دهرمه‌کایه<sup>۵</sup> مربوط می‌شود. سرمدیت او به این معناست که مادی و فناپذیر نیست، سرور است، زیرا و رای رنج‌هاست. عامل در نفس خود یا مختار است، زیرا اجباری بر او نیست. منزّه است، زیرا آلوده به خطا و نفسانیات نیست.<sup>۶</sup>

بر اساس تعابیر مختلفی که در مه‌ایانه از نیروانه در معنای اثباتی صورت گرفته تقسیمات مختلفی هم شکل گرفته است. هر کدام از این طیف تعاریف ویژگی‌های خاصی از نیروانه را مشخص می‌کنند. دسته اول تعابیر، نیروانه را در معنای وجودشناختی و ماوراءالطبیعی معادل حقیقت<sup>۷</sup> یا تعبیر دینی آن یعنی دهرمه‌کایه در نظر می‌گیرند.<sup>۸</sup> این تلقی از نیروانه تحت عنوان نیروانه عام در ادامه بررسی می‌شود. دسته دوم تعابیر که معمولاً از «به نیروانه رفتن» بودا اقتباس می‌شود نیروانه را به معنای پایان حیات زیستی و مادی و معادل مرگ می‌گیرند. در تعبیر معرفت‌شناختی نیروانه کنار زدن ابر نادانی و منور شدن به نور معرفت اشراقی است؛<sup>۹</sup> در بیان روان‌شناختی نیروانه رهایی از ناآرامی و رنج دائمی و رسیدن به آرامش مطلق است و در معنای نجات‌شناختی نیروانه در مقابل بازپیدایی (سنساره) و معادل حیات جاوید است.<sup>۱۰</sup> البته مکتب ماده‌یه‌میکه نیروانه و بازپیدایی را یکی می‌دانند،<sup>۱۱</sup> که در رویکرد متناقض‌نما بررسی می‌گردد. در تعبیر اخلاقی نیروانه در مقابل

1. Aśvaghōṣa 1894, p.335.

2. atman

3. sukha

4. shushi

5. Dharmakāya

6. Suzuki, D.T., pp.347-348.

7. tattva/ 'thatness' 'principle' 'reality' or 'truth'

8. Suzuki, D.T., p.342.

9. Ibid, p.365.

10. Ibid, p.342.

11. Stcherbatsky, Th., p.29.

گناه و احساسات و نفسانیات قرار می‌گیرد که با برانگیختن محبت و شفقت<sup>۱</sup> و آگاهی از حضور دهرمه‌کایه در وجود فردی معادل است<sup>۲</sup> و در بیان دینی نیروانه تسلیم‌شدن کامل خود به اراده دهرمه‌کایه در تمام شئون زندگی است.<sup>۳</sup>

### نمادین

در متون مهاییانه معانی نمادین و تمثیلی مختلفی از نیروانه آمده است که یک نمونه آن ذکر می‌شود. در تمثیلی آموزنده چگونگی نیروانه چنین ذکر شده است: اتاق تاریکی را تصور کنید که در آن هیچ چیز مشخص نیست و چیزهای ترسناکی هم در آن متصور است. حال اگر چراغی به آن اتاق برده شود همه جای آن روشن می‌شود و هر چیزی را در جای درستش شناخته می‌شود و معلوم می‌شود آنچه خطرناک تصور می‌شد اشیائی هستند که می‌توان از آنها در مصارف مختلف به سود دیگران استفاده کرد. مثال نیروانه نیز چنین است. در این تمثیل اتاق دل انسانی است. تاریکی جهل انسان است و وسایل داخل آن آرزوها، امیدها، نفرت‌ها و احساسات درون انسان‌اند. چراغ نماد محبت و فرزاندگی است. محبت گرمای چراغ زندگی است و فرزاندگی نور روشن‌بخشی زندگی است و احساسات و آرزوهای گناه آلود در پرتو روشنائی و حرارت فرزاندگی و محبت متبدل می‌شوند و به آرزوهای متعالی تبدیل می‌شوند. نیروانه امری بیرونی نیست بلکه روشن‌شدگی دل است. آنگاه «همه گناهان با تحقق اشراق متبدل می‌شوند و چرخه بازپیدایی به سعادت جاودانی نیروانه بدل می‌شود»<sup>۴</sup>.

### متناقض‌نما

در مکتب مادهیه‌میکه معانی متناقض‌نمایی از نیروانه ذکر شده است. در نگاه ناگارچونه متفکر اصلی این مکتب «نیروانه نه هستی است و نه نیستی بلکه ورای نسبت هستی و

1. karunā

2. Suzuki, D.T., p.365.

3. Ibid, p.342.

4. Ibid, p.365.

5. Vasubandu, *The Discourse on Buddha*, The Japanese Tripitaka, 1881, vol.2, p.84.

نیستی است.<sup>۱</sup> در نظر آن مکتب نیروانه و بازپیدایی (سَنساره) تفاوتی ندارند. بازپیدایی و وجود پدیداری هیچ تفاوتی با نیروانه ندارد و هر آنچه حدّ بازپیدایی است حدّ نیروانه هم هست. امر مطلق و عالم تجربه، امر مینوی و امر پدیداری، نیروانه و بازپیدایی دو دسته واقعیت‌های مقابل هم نیستند بلکه، در نگاه جامع، یکی هستند در نتیجه نیروانه و امر مطلق همان بازپیدایی و بازپیدایی همان نیروانه است.<sup>۲</sup> در جمع این دو مفهوم به صورتی تمثیلی گفته‌اند: «نیروانه زندگی کردن در گرداب بازپیدایی در عین حال بودن در ورای آن است».<sup>۳</sup>

ناگار جوئه در بیانی متناقض‌نما می‌گوید: «نیروانه به چیزی می‌گویند که "خواسته" نیست، "به‌دست آمده" نیست، "منظم" نیست، "بی‌نظم" نیست، محکوم به فنا نیست و مخلوق نیست».<sup>۴</sup> این بیان نشان می‌دهد که او نیروانه را معادل دهرمه‌کایه گرفته است.

چنین تعبیری را درباره‌ی تهی‌بودگی آورده‌اند که «نه پوچی است نه غیرپوچی، این چنین همه‌چیز توصیف می‌شود، راه میانه همین است، زیرا "وجود" است در عین حال که "لا وجود" است و باز "وجود" است».<sup>۵</sup> نیروانه را نیز بر مبنای همین آموزه‌ی تهی‌بودگی متناقض‌نما تفسیر کرده‌اند و گفته‌اند: نیروانه «چیزی است که ویژگی آن نداشتن هرگونه ویژگی است».<sup>۶</sup> تبیین همه چیز بر مبنای اصل تهی‌بودگی و وهمی بودن همه چیز و در نتیجه معانی متناقض‌نما از نیروانه و بازپیدایی چنین تبیین می‌شود که سالک در مقام شهود وهمی بودن همه‌چیز در می‌یابد که نیروانه و بازپیدایی وجوه وهمی هستند و از این حیث هر دو یکی می‌باشند.

اگر از منظر دهرمه‌کایه نگاه شود بازپیدایی و نیروانه یکی بیش نیستند. به قول ناگار جوئه «به هیچ وجه بازپیدایی از نیروانه قابل تمییز نیست، و به هیچ وجه نیروانه از بازپیدایی قابل تمییز نیست» و «ساحت نیروانه همان ساحت بازپیدایی است و کوچک‌ترین تمایزی بین آنها نیست».<sup>۷</sup> با در نظر گرفتن اصل دهرمه‌کایه این متناقض‌نما بودن ظاهری

1. Stcherbatsky, Th., p.28.

2. Ibid, pp.29-30.

3. Suzuki, D.T., p.341.

4. *Madyamika Shastra*, in Suzuki, Daisetz Teytaro, p.347.

5. Kochumuttom, Tomas A., *A Buddhist Doctrine of Experience*, a New translation and Interpretation of the works of Vasubandhu the Yogacarin, Delhi, Motilal Banarsidass Publishers, 1989, p.235.

6. Suzuki, D.T., pp.347-348.

7. Ibid, p.352.

چنین تبیین می‌شود که از آن‌جایی که یک حقیقت مطلق بیش وجود ندارد و تمام تکثرات جلوه‌های آن حقیقت مطلق‌اند و در منظر آن حقیقت همه تکثرات تجلیات مختلف آن حقیقت واحدند و در حقیقت یکی بیش نیستند یعنی هم به لحاظ وجودشناختی با در نظر گرفتن وجود حقیقت مطلق و هم به لحاظ معرفت‌شناختی در مقام معرفت کامل اشراقی تمام وجودهای متکثر پدیداری و نیروانه یکی بیش نیستند.

### مراتب نیروانه

ویجنانه‌ماتره شاستره<sup>۱</sup> چهار مرتبه از نیروانه را مشخص کرده است: نیروانه عام، نیروانه با اندکی ناخالصی،<sup>۲</sup> نیروانه بدون ناخالصی<sup>۳</sup> و نیروانه بی‌مکان. همه موجودات به نیروانه اول می‌توانند نائل شوند و بالقوه آن را دارند، نیوشندگان،<sup>۴</sup> اشراق‌یافتگان تکره<sup>۵</sup> و ارهت‌ها علاوه بر مرتبه اول نیروانه به مرتبه دوم و سوم نیز می‌توانند وارد شوند. به مرتبه چهارم نیروانه فقط بودایان و بدهیستوگان می‌توانند وارد شوند.<sup>۶</sup>

### نیروانه عام

نیروانه عام معادل دهرمه‌کایه است. در این تلقی نیروانه خود امر مطلق است که همواره تغییرناپذیر و یکسان بوده و خواهد بود و آنچه تغییر می‌کند باطن خود اشخاص است. نیروانه در معنای عام تغییری در نظام آفاقی نیست بلکه صرفاً تغییری انفسی است یعنی قرار نیست سالک جهان را تغییر دهد بلکه خودش را باید تغییر دهد. اگر آلودگی‌ها و تعینات واقعی بودند هیچ قدرتی نمی‌توانست آنها را تغییر دهد. آن تغییر، تغییری ماوراءطبیعی نیست بلکه تغییری روان‌شناختی است.<sup>۷</sup>

1. *Vijñānamātra Śāstra*
2. Skt. Apratishtha/Upadhishesa Nirvana
3. auupadhishesa
4. Skt. śrāvaka, Pal. sāvaka
5. Skt. Pratyekabuddha, Pal. paccekabuddha
6. Suzuki, D.T., p.344.
7. Stcherbatsky, Th., pp.29-30.



نیروانه در معنای عام در ذات خود پاک و بی‌عیب است و حقیقت و واقعیت همه موجودات را تشکیل می‌دهد، گرچه آن حقیقت مطلق خود را در جهان ناپاکی و نسبت متجلی می‌سازد و سریان می‌دهد. آن حقیقت برای همیشه پاک و بی‌آلایش باقی می‌ماند. با این‌که فضیلت‌های متعین بی‌شماری دارد، حقیقت آن مطلقاً سرمدی است. آرامش آن به آرامش فضا می‌ماند که در آن هر حرکتی قابل تصور است اما خودش بی‌حرکت است، در همه موجودات به‌طور فراگیر حاضر است و وجود آنها را تحقق می‌بخشد از این‌رو با آنها یکی تلقی می‌شود اما از جهتی دیگر متعالی است و هیچ موجودی آن چنان که هست نیروانه نیست. این معنای روحانی و رای فهم بشر عادی است و تنها کسانی آن را می‌فهمند که به عالی‌ترین فرزنگی بودا برسند.<sup>۱</sup>

نیروانه در معنای دهرمه‌کایه امری خارج از این جهان در حال صیوروت و آلوده به گناه و نفسانیات نیست. پس طالب نیروانه لازم نیست خود را از جهان منقطع سازد و در جهانی دیگر در پی نیروانه باشد. او باید نیروانه را در همین زندگی پر از رنج و شادی و عشق و نفرت بجوید. او نیروانه را نباید در آسمان‌ها یا بعد از جدایی از حیات زمینی یا بعد از محو شدن احساسات و آرزوهای انسانی بجوید بلکه باید آن را در همین زندگی دنیوی جست‌وجو کند؛ چرا که همین زندگی دنیوی با همه رنج و شادی‌اش چیزی جز نیروانه نیست. اگر سالک زندگی را ترک کند و در عزلت در پی نیروانه باشد برای همیشه نیروانه را گم خواهد کرد. اگر بخواهد امید و آرزوها، لذت‌ها و غصه‌ها و هر آنچه این زندگی را می‌سازد دفن نماید در واقع نیروانه را دفن نموده است. هرچه سالک در زهدگرایی، مراقبه، آیین‌گرایی یا حتی مابعدالطبیعه بیشتر به دنبال نیروانه بگردد بیشتر از آن دور می‌شود. به اعتقاد سوزوکی یکی از بزرگترین خطاهای متفکران دینی این بوده که نیروانه را که رضایت‌مندی کامل احساس دینی است، امری تصور می‌کنند که با کنار نهادن آرزوها، احساسات، امیدها، رنج‌ها و شادی‌ها می‌توان آن را به دست آورد.<sup>۲</sup> این مرتبه از نیروانه بالقوه برای همه انسان‌ها و موجودات ذی‌شعور قابل دست‌یابی است.

1. Suzuki, D.T., p.343.

2. Ibid, pp.353-355.

### نیروانۀ با اندکی ناخالصی

مرتبهٔ نیروانۀ با اندکی ناخالصی حالتی از اشراق است که سالکان بودایی در طول زندگی‌شان می‌توانند بدان نائل شوند. سالکان موانع عاطفی<sup>۱</sup> یا روان‌شناختی را رفع می‌کنند تا دهرمه‌کایه‌ای که در وجودشان بوده بر روی آنان گشوده شود. با این حال باز سالکان تحت سیطرۀ بازپیدایی‌اند، لذا از عذاب زندگی کاملاً رهایی نمی‌یابند. هنوز چیزی در وجودشان باقی می‌ماند که آنها را دچار غم و اندوه می‌کند.<sup>۲</sup>

### نیروانۀ بدون ناخالصی

سالکان زمانی به مرتبهٔ نیروانۀ بدون ناخالصی می‌رسند که هم حجاب رنج تولد و مرگ و هم مانع رنج گناه و نفسانیات را از حقیقت بودا<sup>۳</sup> یا همان دهرمه‌کایه کنار بزنند. در این مرتبه از نیروانۀ، سالکان با این‌که در طی زندگی‌شان از نفسانیات روح رهایی یافته‌اند، به طریق هشت‌بخشی شریف عمل می‌کنند، و همهٔ کرمه‌ها را که موجب تناسخ و بازپیدایی‌شان می‌گردد از بین می‌برند. آنها به سبب تأثیر کرمه‌یی زندگی‌های پیشین مجبورند رنج‌های ذاتی وجود مادی را تحمل کنند ولی در نهایت چرخۀ بازپیدایی را از بین می‌برند و به اصل مطلق بر می‌گردند که به دلیل نادانی از آن پیدا شده‌اند و به همان دلیل در چرخۀ بازپیدایی افتاده‌اند. به این حالت مبارک متعالی امر مطلق نیروانۀ بدون ناخالصی گویند.<sup>۴</sup>

### نیروانۀ بی‌مکان

در مرتبهٔ نیروانۀ بی‌مکان که مخصوص بودایان است، حقیقت بودا نه تنها از عذاب احساسات و گناه رهایی می‌یابد بلکه از موانع و حجاب‌های فکری نیز رهایی می‌یابد. در این مرتبهٔ نیروانۀ حقیقت بودا یا دهرمه‌کایه، از هر نوع مانع عاطفی یا فکری که موجب در حجاب ماندن سالک از آن می‌شود، خالص و بی‌مکان آشکار می‌گردد. شفقت (کرونا)،<sup>۵</sup>

۱. دو نوع مانع رهایی وجود دارد: ۱. موانع عاطفی و روان‌شناختی ۲. موانع فکری و معرفت‌شناختی

2. Ibid, p.344.

3. tathata / essence

4. Suzuki, D.T., pp.344-345.

5. Skt. & Pal. karuṇā; En. compassion

محبت فراگیر (در سنسکریت «میتری» و در پالی «متا»)<sup>۱</sup> و فرزانیگی کامل راه را برای سالک روشن می‌سازد. کسی که به چنین حالت انفسی اشراقی نایل آید هیچ مسکن و مکانی ندارد یعنی او دیگر محکوم به تناسخ و بازپیدایی نیست. او حتی دیگر به نیروانه هم به مثابه جایگاه آرامش کامل وابسته نیست. هدف نهایی او در زندگی خیر رساندن به همه موجودات ذی‌شعور تا پایان زمان است. او این کار را با کوشش انسانی یا معرفت تحلیلی آگاهانه انسانی خود انجام نمی‌دهد بلکه او می‌خواهد با محبت فراگیر ناشی از دهرمه‌کایه همه هم‌نوعانش را از بدبختی نجات دهد. او در پی آن نیست که خودش را از رنج‌های زندگی رهایی بخشد. او از فانی و گذرا بودن تعلقات دنیوی کاملاً آگاه است؛ در عین حال از آنها اجتناب نمی‌کند. او با فرزانیگی مطلقش بر حقیقت کامل همه اشیا بصیرت می‌یابد. او از جمله دین‌ورزانی است که از این دنیا استفاده می‌کنند، در آن هستند ولی مالک چیزی نیستند، چون می‌دانند همه جلوه‌های این دنیا گذراست. زندگی چنین افرادی سرشار از فعالیت است، زیرا قلب و جان آنها وقف هدایت همگان به رهایی و نجات نهایی است. وقتی کسی به این حالت معنوی برسد گویند او به نیروانه بی‌مکان نایل شده است.<sup>۲</sup>

مرتبه نیروانه بی‌مکان در واقع تجلی و انکشاف علت وجود است که در زندگی انسان‌ها تا حدی با حجاب جهل و نفسانیت محجوب مانده است. چنین انکشافی نه در پیروی از دستورهای اخلاقی بودا قابل وصول است نه در اطاعت کورکورانه از طریق هشت‌بخشی و نه در مراقبه محض و خلوت‌گزیدن از دنیا، بلکه از طریق نیرو و فعالیت ناشی از محبت فراگیر دهرمه‌کایه حاصل می‌شود. آن‌کس که در چنین نیروانه‌یی است در پوچی آرزوهای انسانی آرامش نمی‌جوید و در مواجهه با تناسخ و چرخه بازپیدایی شانه خالی نمی‌کند؛ بلکه دل به دریای بازپیدایی می‌زند و برای نجات هم‌نوعانش از غرق شدن دائمی خودش را قربانی می‌کند.<sup>۳</sup>

چگونگی رسیدن به چنین اشراق و نیروانه‌ای در میان احساسات و خطاهای زندگی را از زبان بدهیستوه منجوشری<sup>۴</sup> چنین نقل کرده‌اند: «کسانی که به عدم فعالیت دل بسته‌اند و در حالت فانی دائمی ساکن شده‌اند معرفت کامل متعالی در وجودشان بر نمی‌خیزد. تنها

1. Skt. Maitrī Pal. Mettā; En. benevolence, friendliness, amity, kindness and love

2. Suzuki, D.T., pp.345-346.

3. Ibid, p.349.

4. Mañjuśrī

بدهیستوگانی که در بطن احساسات و خطاها جای می‌گیرند، ده منزل را سیر می‌کنند و در حقیقت اشیاء تأمل می‌کنند قادرند فرزاندگی را بیدار سازند و بدان نائل آیند. ... آن‌چنان که گل‌های نیلوفر در زمین خشک نمی‌روید بلکه بر روی باتلاق نمناک و تاریک رشد می‌کند، ... فرزاندگی نیز چنین است نه در عدم فعالیت و فنای ابدی که مورد توجه نیوشندگان و اشراق‌یافتگان تکرو است؛ زیرا در عدم فعالیت فرصتی برای رشد بذرها و جوانه‌های اشراق‌یافتگی وجود ندارد»<sup>۱</sup>.

### نتیجه

برای بررسی موضوع ابتدا به جمع‌بندی دیدگاه هر دو طریقت پرداخته سپس نکات اشتراک و آنگاه نکات اختلافشان را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. با توجه به مطالب ذکر شده معنای مورد نظر هیئه‌یانه از نیروانه را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. هر معنای سلبی پیشینی نیروانه نتیجه‌ای اثباتی دارد که به عنوان معنای اثباتی پسینی نیروانه شناخته می‌شود.
۲. نیروانه از جهت وجودشناختی عبارت است از ناپودی ده‌مه‌های متعین و پنج انباشته و تبدل وجودی در تبدل شدن به هستی نامتعین.
۳. از جهت روان‌شناختی نیروانه عبارت است از خاموشی درد و رنج و دستیابی به آرامش و سرور مطلق.
۴. از جهت نجات‌شناختی نیروانه عبارت است از رهایی فردی از گردونه‌بازپیدایی و رسیدن به زندگی جاوید در امن و آرامش.
۵. در معنای اخلاقی نیروانه عبارت است از رهایی از شهوات و اعمال نادرست و اکمال و اتمام راه هشت‌بخشی شریف.
۶. در معنای دینی نیروانه عبارت است از رهایی از زندگی دنیایی و نامقدس و رسیدن به مقام قدسی در این زندگی و در حیات جاوید.

1. Suzuki, D.T., pp.351-352.

۷. غایت نیروانۀ در همه معانی فوق در آرمان «ارهت‌شدگی»<sup>۱</sup> قابل جمع است که با سلوک در طریق ارهت‌شدگی و انجام دستورات و طی منازل تدریجی خاص قابل وصول است.

تفسیر مهاییانۀ از نیروانۀ نیز با توجه با رویکردهای تفسیری چهارگانه و مراتب چهارگانه نیروانۀ که شرح‌شان گذشت چنین قابل تلخیص است:

۱. نیروانۀ معنای سلبی مطلق وجودشناختی ندارد.
۲. در معنای وجودشناختی نیروانۀ معادل حقیقت مطلق یا دهرمه‌کایه است.
۳. از جهت معرفت‌شناختی نیروانۀ عبارت است از کنار زدن حجاب نادانی و غفلت و رسیدن به معرفت اشراقی کامل و رساندن دیگران به اشراق کامل.
۴. از نظر روان‌شناختی نیروانۀ عبارت است از رهایی از رنج و اضطراب و رساندن خود و دیگران به آرامش مطلق.
۵. از جهت نجات‌شناختی نیروانۀ عبارت است از رهایی از وجود پدیداری و چرخۀ بازپیدایی و رسیدن به حیات جاوید فردی و رساندن همگان به حیات جاوید همگانی. البته در صورتی که سالک به تهی‌بودگی و حقیقت مطلق دهرمه‌کایه معرفت شهودی کامل پیدا کند دوگانگی بین این دو را ملاحظه نمی‌کند.
۶. در معنای اخلاقی نیروانۀ عبارت است از سوزاندن آتش گناه و شهوت و حضور عاشقانه و آگاهانه در محضر حقیقت مطلق.
۷. و به لحاظ دینی نیروانۀ عبارت است از تهی‌شدن از ارادۀ خود و تسلیم شدن کامل به ارادۀ دهرمه‌کایه.
۸. مفهوم نیروانۀ ذو مراتب است که در چهار مرتبه دسته‌بندی شده است و بالاترین مرتبۀ آن نیروانۀ بی‌مکان است.
۹. مرتبه اول یعنی نیروانۀ عام مرتبۀ بالقوگی نیروانۀ است. در این مرتبه نیروانۀ به معنای حقیقت مطلق سریان یافته در تکثرات است.
۱۰. در مرتبۀ دوم، یعنی نیروانۀ با اندکی ناخالصی سالک از موانع عاطفی و روان‌شناختی رهایی می‌یابد و به آرامش می‌رسد ولی موانع معرفت‌شناختی هنوز باقی می‌ماند و

سالک نه به آگاهی و معرفت اشراقی کامل می‌رسد و نه از گردونه بازپیدایی رهایی می‌یابد.

۱۱. در مرتبه سوم یعنی نیروانه بدون ناخالصی سالک همه موانع روان‌شناختی و معرفت‌شناختی را از میان بر می‌دارد و به اشراق کامل می‌رسد ولی به خاطر تأثیرات کرمه‌ای به‌جای مانده از زندگی‌های پیشین هنوز در چرخه بازپیدایی می‌ماند و بالفعل از آن رهایی نمی‌یابد.

۱۲. در نیروانه بی‌مکان سالک بالفعل به آرامش کامل، آگاهی و معرفت اشراقی کامل، و رهایی کامل از بازپیدایی می‌رسد.

۱۳. تمامی معانی و مراتب نیروانه در آرمان «بُدیه‌ستوه» قابل جمع است که با سلوک تدریجی در طریق بُدیه‌ستوه قابل وصول است.

#### موارد اشتراک

دو طریقت چون از سرچشمه واحدی برخوردار هستند در مجموع درک مشترکی از اصل مفهوم دارند که مهم‌ترین موارد مشترک از این قرارند:

۱. نیروانه مفهوم سلبی مطلق نیست.
۲. نیروانه مبدأ و تغییر و زوالی ندارد و حقیقت آن توصیف‌ناپذیر است.
۳. در معنای سلبی نیروانه رهایی از شهوات و گناه در حوزه اخلاقی، رهایی از عطش و درد و رنج در حوزه روان‌شناختی، رهایی از نادانی و غفلت در حوزه معرفت‌شناختی و رهایی از گردونه بازپیدایی به لحاظ نجات‌شناختی مورد انتظار است.
۴. از جهت اثباتی رسیدن به پاکی از نظر اخلاقی، آرامش، امنیّت و سرور دائمی از نظر روان‌شناختی، اشراق‌یافتگی از نظر معرفت‌شناختی و زندگی جاوید از نظر نجات‌شناختی مورد انتظار است.
۵. در فرآیند گذر از وجه سلبی به وجه اثباتی نیروانه تبدل وجودی اتفاق می‌افتد نه نابودی و پوچی وجودی.
۶. نیروانه غایت نهایی حیات دینی بودایی است.
۷. این آموزه ذومراتب است و مقوله‌ای فرآیندی است.

۸. رسیدن به این غایت نیازمند سلوک تدریجی است.

### موارد اختلاف

با برداشت از مطالب ذکر شده در تفسیرهای دو طریقت مذکور از مفهوم نیروآنه موارد اختلاف آن دو را به قرار زیر می‌توان بیان داشت:

۱. از نظر وجود شناختی در هیئتیانه وجه اثباتی نیروآنه در معنای وجود نامتعیین در نظر گرفته شده و در سطح فردی لحاظ شده است، اما در مهاییانه آن را معادل دهرمه‌کایه گرفته‌اند که حقیقت مطلق کلی است که از یک سو عالم را تجلی آن حقیقت گرفته‌اند و از سوی دیگر نیروآنه را تحقق آن حقیقت مطلق کلی می‌دانند که همه کثرات را در بر می‌گیرد نه صرفاً شخص به خصوصی را.
۲. از نظر معرفت‌شناختی مهاییانه به شدت بر امر شناخت اشراقی و آگاهی از حقیقت همگانی یکسانی و بی‌تمیزی اشیاء تأکید دارد، اما هیئتیانه بر رفع نادانی مطرح به عنوان علت‌العلل تکوینی رنج تأکید دارد.
۳. از نظر روان‌شناختی در هیئتیانه رهایی از رنج فردی و حذف عطش حیات خیلی برجسته شده و آرامش مطلق فردی مورد انتظار است، اما در مهاییانه حذف امیال منفی و آرامش همگانی مورد انتظار است و بر درد و رنج فردی کمتر تأکید می‌شود.
۴. از جهت اخلاقی هیئتیانه بر حذف هرگونه آثار اعمال اعم از منفی و مثبت تأکید دارد، ولی در مهاییانه بر حذف گناه و رذایل و کسب فضایل و ظهور محبت و شفقت تأکید شده است.
۵. از جهت دینی در هیئتیانه بر قداست‌یابی و قدیس‌شدگی تأکید شده است، ولی در مهاییانه به تسلیم قلبی کامل در برابر اراده حقیقت مطلق. به عبارت دیگر در هیئتیانه فرد تنها در برابر خودش مسئول است و هیچ امر متعالی دیگری فرض نشده است، اما در مهاییانه امر متعالی حقیقت مطلق بر تمامی شئون زندگی فرد سایه افکنده و همه معانی نیروآنه را نیز تحت الشعاع خود قرار داده است.

۶. از جهت نجات‌شناختی در هیئتیانه نجات فردی مطلوب است و هر گونه کمک به نجات دیگران امری استحسانی است، اما در مهاییانه نجات همگانی و کمک به نجات همگان فرض اصلی در تحقق نیروانه است.

۷. از جهت الگوی آرمانی در مهاییانه الگوی فرد محورانه «ارهت» آرمان اصلی دانسته شده است و در مهاییانه الگوی مشفق و مهرورز «بدهی ستوه».

به نظر می‌رسد اولاً عمده موارد اختلافی دو طریقت مذکور در وجه اثباتی آموزه نیروانه است نه وجه سلبی؛ دوم این‌که معانی متناقض‌نما از نیروانه که عمدتاً در مهاییانه مطرح است ناشی از پذیرش آموزه تهی‌بودگی است؛ سوم این‌که وجه اثباتی مفهوم نیروانه در مهاییانه به طور قابل ملاحظه‌ای بسط یافته و علاوه بر معانی مورد نظر هیئتیانه معانی دیگری را در بر گرفته است؛ چهارم این‌که علت اصلی چنین بسط معنایی پذیرش مفهوم حقیقت مطلق، یا همان دهرمه‌کایه، در مهاییانه است و همین امر باعث شده است مفهوم مورد نظر مهاییانه از نیروانه قرابت بیشتری با مفاهیم متناظر آن مثل فنا و بقا در عرفان‌های خدامحور داشته باشد؛ و آخر این‌که از جهت کارکردگرایی ضرورت نجات‌بخشی همگانی و آرمان بدهیستوه و طریق سلوکی متناسب آن در مهاییانه موجب شده است این طریقت نسبت به طریقت هیئتیانه نوع‌دوستانه‌تر به نظر آید.

#### منابع

- Aśvaghōṣa, *The Buddha-Karita*, tr. E. B. Cowell, in *Sacred Books of East*, Vol. XLIX, Part I, ed. F. Max Muller, Oxford, Clarendon Press, 1894.
- Ibid, *The Fo-Sho-Hing-Tsang-King, The Life of Buddha Chin*. Trans Dharmaraksha 420 AD. En. tr. Samuel Beal in *Sacred Books of East*, Vol. XIX, ed. F. Max Muller, Oxford: Clarendon Press, 1883.
- Beal, S, *Buddhism in China*, London, Society for Promoting Christian Knowledge, New York, E. J. B. young Co, 1884.
- Buddhaghosa, *Bhadantācariya, Visuddhimagga, the Path of Purification*, tr. Bhikkhu Nanamoli There, 4<sup>th</sup>ed., Kandy, Sri Lanka, Buddhist Publication Society, 2010.
- Dasgupta, Surendranath, *A History of Indian Philosophy*, Vol.1, Cambridge, Cambridge University Press, 1932.
- Kochumuttom, Tomas A., *A Buddhist Doctrine of Experience*, a New translation and Interpretation of the works of Vasubandhu the Yogacarin, Delhi, Motilal Banarsidass Publishers, 1989.



- *Maha-Parinibbana-Sutta*, tr. T. W. Rhys Davids in *Sacred Books of East*, Vol. XI, ed. F. Max Muller, Oxford, Clarendon Press, 1881.
- Monier Williams, Sir Monier, *Buddhism: in Its Conexion with Brahmanism and Hinduism and in Its Contrast with Christianity*, London, John Murray, 1980.
- Possin, L. De La Vallee, *The Way to Nirvana, Six Lectures on Ancient Buddhism As a Discipline of Salvation*, Cambridge, Cambridge University Press, 1917.
- Radhakrishnan, Sarvepalli, *Indian Philosophy*. 2vols, London: George Allen and Unwin, 1st ed. 1927, 2nd ed. 1929, Indian ed. 1940, reprinted in Holland, Van Leer and Co, 1948.
- Rhys Davids, C.A., *Buddhism, a Study of Buddhist Norm*, London, Williams and Norgate, 1912.
- Rhys Davids, T.W., *Buddhism: its History and Literature*, New York and London, G. P. Putnams Sons, 1907.
- Rhys Davids, T.W., *Early Buddhism*, London: Archibald Constable and Co. Ltd, 1908.
- Rhys Davids T. W. and William Stede eds. *Pali English Dictionary*, 4 vols. Pali Text Society, London, 1921–5, reprint, 1952.
- Stcherbatsky, Theodore, *The Conception of Buddhist Nirvana with Sanskrit Text of Madhyamaka-kārikā*, Intro, Jaideva Singh, Delhi, Motilal Banarsidass Publication, 1<sup>st</sup> ed. 1968, reprint 1999.
- Suzuki, Daisetz Teytaro, *Outline of Mahayana Buddhism*, London, Luzac and Company, 1907.
- “The Differences between Hinayana and Mahayana” , at: <http://www2.sgilibrary.org/wnd2/wnd2-233-p0468.html>
- *The Dhammapada, a Collection of Verses Being One of the Canonical Books of the Buddhists*. Tr. F. Max Muller, in *The Sacred Books of the East*, Volume X part I, ed. F. Max Muller, Oxford, Clarendon Press, 1881.
- Thomas, Edward J., *The History of Buddhist Thought*, London: Rutledge and Kegan Paul, 1935, 2<sup>nd</sup> ed, 1951, reprinted by Lowe and Braydon, 1953.
- Vasubandu, *The Discourse on Buddha*, The Japanese Tripitaka, 1881.
- Williams, Paul, *Mahāyāna Buddhism: The Doctrinal Foundations*, London, Taylor & Francis, 1989.